

صفحات نشست‌اند- تزئینی که با رنگ یکنواخت بدون کنتراس (تضاد رنگی)، بدون تن‌مایه‌های مختلف که ایجاد سایه و روشن می‌کنند و به بیانی بدون هستی و جان در تصویر خودنمایی می‌کنند.

نمونه‌ها:

با مشاهده تصاویر دختر بر روی جلد کتاب، دختران در «بین و بگو»های ص ۵، ۱۶ و ۱۳۷ و دختران درس بیست و یکم، مخاطب به جای این که شخصیت زنده، با فردیت خاص و اندیشه منحصر به فرد را ببیند با عروسک تزئینی روبرو می‌شود، عروسکی که تنش چوبی و دست و پایش پلاستیکی است.

تصویرگر با غلیظ کردن نماد منحنی بخصوص در «بین و بگو» ص ۵، با فشرده کردن بیش از حد شخصیت تصویری دخترک، این حس را به مخاطب القاء می‌کند که با یک کودک کم‌هوش و یا حداقل همان عروسکی که وصفش رفت، روبرو است.

با مشاهده تصاویر پسران کتاب در درس اول و شانزدهم، عدم هماهنگی میان زاویه دید و تصویرسازی (بخصوص در درس شانزدهم) و عدم تناسب میان سر و بدن (سرنسبت به تنه بزرگتر است) بوجود آمده است. این ضعف در طراحی موجب فشرده‌گی و کوتاهی بیش از حد شخصیت تصویری (پسرک) شده و این حس را به مخاطب القاء می‌کند که با یک کودک کم‌هوش و یا حداقل عروسک بی‌جانی روبرو است.

بدین سان تصاویر مورد بررسی به علت عدم وجود عنصر Body Language (زبان بدن) از هر گونه فردیت تهی شده‌اند. در حالی که تصویرگران می‌توانستند تا آن جا پیش بروند که خصوصیات شخصیت تصویری را با ایجاد حس در اندام و وجود هر شخصیت نشان دهند و بدین سان زبان روحی که همان زبان دیداری است در کتاب ایجادکنند. زبانی که جای خالی در متن را توصیف می‌کند. زبانی که فضا سازی را توصیف می‌کند. و با یاری متن اثر کاملی به مخاطب ارائه می‌شود.

نمونه هنرمندانه در کتاب، تصاویر همراه با متن در «با هم بخندیم» است. در این تصاویر از سبک کارتون‌سازی بهره گرفته شده است. این تصاویر با حس و حرکت و زنده هستند. به بیانی، شخصیت‌های موجودیت یافته در هر متن «باهم بخندیم» را به زیبایی به مخاطب معرفی می‌کند و یا در «بین و بگو» ص ۲۴ مربوط به درس چهارم، با سبکی که متن‌های «با هم بخندیم» تصویر شده‌اند، تصویرسازی شده است. مخاطب با دیدن تصاویر به سادگی با موارد داستانی ارتباط برقرار می‌کند.

چگونگی تصاویر در «بین و بگو» ص ۲۴ مربوط به درس چهارم:

تصویر اول: دندان درد شدید پسرک

تصویر دوم: مادر برای رهایی پسرش از دندان درد، دست به اقدام می‌زند.

تصویر سوم: مادر و پسر او نگران و منتظر هستند.

فارسی دوم

(نسخه و آزمایشی)

○ شکوه حاجی نصرالله

ادامه تمرین‌ها شامل «گوش کن و بگو»، «درست، نادرست»، «واژه‌آموزی» و «نکته» آمده است.

در ادامه، یک داستان تصویری تحت عنوان «بین و بگو» طرح شده است که مخاطب با دیدن تصاویر، داستان را باز می‌گوید. و در ادامه تمرین و بازی‌هایی تحت عنوان‌های «بگرد و پیدا کن»، «به دوستانت بگو»، «بازی، بازی، بازی» و «کتاب‌خوانی» آمده است. در بخش «بازی، بازی، بازی» گاهی «اجرای نمایش» جایگزین می‌شود و گاه در آخرین تمرین عنوان جدید تحت نام «با هم بخندیم» می‌آید.

بدین سان در هر فصل دو درس بدنبال هم قرار دارند پس از درس دوم یک شعر و در ادامه متنی تحت عنوان «روان خوانی» نوشته شده است.

در کتاب فارسی دوم دبستان، هشت فصل این گونه طرح ریزی شده‌اند.

بررسی ساختار تصویر در فارسی دوم دبستان:

سبک مسلط در تصویرسازی کتاب مورد بحث رئالیسم است. به عبارتی تصویر بیانی واقع‌گرا دارد. تصویرسازی رئالیستی برخلاف تصور همگان کاری بس دشوار است و زمانی تصویرگر در این عرصه موفق است که از مهارت و توانایی قابل توجه‌ای برخوردار باشد.

تصویرگر در این گونه‌ی هنری، با خلق فردیت در شخصیت‌های تصویری و بیان حس و حرکت و زندگی در شخصیت تصویری با مخاطب ارتباط برقرار کرده و در هماهنگی با متن، دنیای متن را گسترش می‌دهد و حس زیبایی‌شناسی مخاطب را برمی‌انگیزد. در غیر این صورت تصاویر خلق شده فقط گونه‌ای رئالیست‌نما و کلیشه‌ای خواهد بود و از هیچ گونه قدرت ماندگاری در ذهن مخاطب برخوردار نخواهد بود.

عموم تصاویر کتاب که از بیانی واقع‌گرا برخوردارند به دلایل زیر ناموفق هستند:

۱- عدم وجود فردیت در تصاویر:

شخصیت‌های تصویری چون به صورت تزئینی در

کتاب فارسی دوم دبستان نسخه (آزمایشی) با نگارش قبلی آن یعنی کتابی که هم اکنون در مدارس مورد استفاده است قابل قیاس نیست. نگارش قبلی از نظر محتوا و شکل، کتابی کهنه است و سالهاست که تاریخ مصرف آن گذشته است.

بنابراین کتاب را در مقایسه با نگارش قبلی ارزیابی نکرده‌ام بلکه آن را با آنچه که باید باشد مقایسه می‌کنم. کتاب فارسی دوم را با توجه به گروه سنی مخاطب آن و توانایی‌اش می‌خوانیم.

ویژگی‌های مخاطب این گروه سنی چیست؟ این مخاطب از جهاتی به طور منطقی و کمی توانایی استدلال دارد و به راحتی مسایل را از دیدگاه‌های مختلف می‌بیند و به نحوی منطقی به هنگام ارزیابی پدیده‌ها، عینی می‌شود. او در این مرحله، تفکر نسبی دارد و به همین دلیل می‌تواند در یک زمان به بیش از یک پدیده توجه کند. او می‌تواند به طور همزمان در مورد کل و جزء استدلال کند. او در جستجوی انگیزش است و دنیای پیرامونش را تعبیر و تفسیر می‌کند و برای حل مسائل راه‌حل‌های شناختی ایجاد می‌کند.*

آیا با بهره‌گیری از توانایی‌های مخاطب این گروه سنی، کتاب فارسی دوم می‌تواند مخاطبیتش را به سوی تفکر و خلاقیت سوق دهد؟ آیا طراحی کتاب از نظر محتوا و شکل آنگونه است که مخاطب راه‌حل مسائل را پیدا کند؟ آیا در طرح‌ریزی کتاب شخصیت مخاطب به رسمیت شناخته شده است؟ آیا در کتاب از کلیشه‌سازی و قالبی فکر کردن اجتناب شده است؟

مشارکت و مدنیت چه نقشی در کتاب دارند؟ توجه به رشد اجتماعی مخاطب در کتاب تا چه میزان وجود دارد؟ آیا مخاطب با حقوق خویش آشنا می‌شود؟ آیا مخاطب به رعایت حقوق دیگران رهنمون می‌شود؟ آیا کتاب از سطحی که در جامعه (خانه و محیط‌های آموزش رسمی و همگانی) رایج است یعنی پند و اندرز دادن به مخاطب برخوردار است؟ و بالاخره آیا کتاب نقش زبان‌آموز صرف را بازی می‌کند یا زبان آموزی است که قالب ادبی دارد؟^۱

تقسیم‌بندی موضوعی در فارسی دوم دبستان :

در هر فصل متنی تحت عنوان «درس» وجود دارد. و در

تصویر چهارم: دندان‌پزشک و پسر؛ در این تصویر، تصویرگر با توانایی صدای ... گفتن پسر را به گوش مخاطب می‌رساند.

تصویر پنجم: پسرک شاد و خندان است، خوشحالی او فقط در حالت دهان او نیست بلکه در دیگر اعضای بدنش این حس را می‌توان مشاهده کرد. حالت پای او به گونه‌ای است که صدای ریتم پای او، به گوش مخاطب می‌رسد. در این مجموعه مخاطب با نگاه بر هر تصویری حس را تجربه می‌کند و کنجکاوانه پسرک را دنبال می‌کند.

با مقایسه این «ببین و بگو» با «ببین و بگو» ص ۱۳۷ مشاهده می‌شود که تصاویر ص ۱۳۷ آن قدر یکنواخت است که چشم مخاطب فقط و فقط در یک سطح حرکت می‌کند. هیچ گونه تفاوت در ارتفاع رنگ وجود ندارد بنابراین حس و حالات مختلف در تصاویر مشاهده نمی‌شود. در حالی که در «ببین و بگو» ص ۲۴ مخاطب اوج و فرود داستانی را به زیبایی درمی‌یابد.

نمونه دوم: «ببین و بگو» در ص ۵، در این مجموعه تصویر پدر هنگام ترک دخترک و هنگام دریافت نامه یکسان است. تصویرگر درد جدایی و شوق دریافت نامه را فقط با تغییر حالت ابروی پدر نمایش داده است. آیا این تصویر می‌تواند حس لازم از جدایی میان پدر و دخترک را به مخاطب القاء کند؟ آیا این تصاویر قدرت برانگیختن عاطفه مخاطب را دارد؟ تا با بهره‌گیری از فرآیند عاطفی، موضوعی را در کودک مخاطب درونی سازد.

هم شکلی شخصیت‌های تصویری در متون مختلف، مشکل عدم فردیت در تصاویر را تقویت کرده است. نمونه (۱): تصویر مادر در «ببین و بگو» ص ۱۶ و ص ۲۰ و همچنین عکس پرستار بر دیوار، همه یک شکل هستند. در حالی که شخصیت متمایز در سه جایگاه مختلف هستند. به نظر می‌آید تصویر این زنان چون مهر تهیه شده از سوی تصویرگر در مضامین و فضاهای مختلف به کار گرفته شده است.

نمونه (۲): یک شکل و هم اندازه بودن سر دختر و مادر در «ببین و بگو» ص ۱۶. در این دو تصویر فقط بلندی و اندازه تن مادر و دختر است که این شخصیت را از هم متمایز می‌سازد. نمونه (۳): یک شکل بودن معلم در درس دوم «مدرسه‌ی رضا» با نرگس در درس دندان شیری.

نمونه (۴): یک شکل بودن تصویر مادر در درس «مثل گل» با دختر (زهره) در درس «خاطره».

با توجه به سه نمونه اخیر که شخصیت‌هایی با گروه‌های سنی متفاوت با هم یک شکل هستند می‌توانیم عدم توانایی تصویرگر را در خلق شخصیت‌هایی هماهنگ با متن کتاب مشاهده کنیم. توانایی تصویرگر در حد مهری است که یک شکل و بدون حس، حالات مختلف را در متن حک کرده است. و در واقع در ذهن تصویرگر کلیشه‌ای وجود داشته که از روی آن برای متن‌های مختلف کیی‌برداری شده است.

نمونه (۵): تصویر مرد کشاورز و بنا در درس «دوستان ما» آیا این دو تصویر تلاش و زحمت و کار را به مخاطب نشان می‌دهند؟ بنا چگونه با آن دست‌های خشک می‌تواند خانه‌ای بسازد و کشاورز که چون تخته سه‌لایی که پاهایش

به زمین میخ شده است، چگونه می‌تواند گندم‌ها را درو کند. این تصاویر به همراه متن غیرصمیمی و غیرواقعی و شعاری که در تکرار و به‌کارگیری کلمه «دوست» نمایان می‌شود. به مخاطب چه می‌تواند ارائه کند؟ پوشش و لباس انتخابی تصویرگر بر تن کشاورز و بنا تا چه حد واقعی است و بیانی از گوشه‌هایی از سرزمین ما ایران را دارد؟ آیا تصویرگر می‌خواهد بگوید بنا روستایی است که برای شهری‌ها خانه می‌سازد؟ آیا بنای شهری وجود ندارد؟ عدم وجود فضاسازی که خود عنصری مهم برای بیان واقعیت است، این ابهامات را در تصویر و در مجموع این درس دو چندان می‌سازد.

۲. عدم شناخت از قوانین طراحی و نقاشی:

الف - آناتومی نادرست:

آناتومی نادرست، بی حسی - خشکی و بی‌روحي شخصیت‌های تصویری را تشدید کرده است. به عبارتی باورپذیری شخصیت‌های تصویری و حرکات آن‌ها را غیرممکن می‌کند. لازم به تذکر است که ممکن است تصویری از نظر آناتومی از ضعف برخوردار باشد، اما تصاویر با حس و جاندار باشند به عبارتی در تصویرسازی، طراحی و تکنیک و بیان ایده مجموعاً تصویر را بوجود می‌آورند. اما در کتاب مورد بررسی تصویرگر نتوانسته، شخصیت‌هایی خلق کند که جاندار باشند و همچنین او در بیان ایده‌ها از ضعف جدی برخوردار است بنابراین ضعف در آناتومی بسیار نمود یافته است.

نمونه (۱): درس اول (خدای مهربان): تصویر پسر جلویی به علت اندازه بزرگ سر نسبت به بدن، آناتومی نادرست را ایجاد کرده است.

نمونه (۲): «ببین و بگو» ص ۵: آناتومی نادرست در ساخت دست پدر و دست دخترک و صورت پستی و بدن دخترک نمایان است. این قالب و کلیشه برای دست دخترک پدر در تصاویر دیگری نظیر «ببین و بگو» ص ۴۵ مشاهده می‌شود. این کلیشه و قالبی که تصویرگر در شخصیت‌های تصویری بسیاری استفاده کرده است، عدم فردیت در تصاویر مورد بحث را تشدید می‌کند.

نمونه (۳): «تصویر ببین و بگو» ص ۱۵۸، پدر و دختر از آناتومی غلط رنج می‌برند.

نمونه (۴): «تصویر ببین و بگو» ص ۱۲۱ در سومین تصویر سمت راست معلوم نیست پسرک از روبرو یا پشت به مخاطب ایستاده است.

نمونه (۵): عدم تناسب میان پایین تنه و بالاتنه کتابدار در «ببین و بگو» ص ۱۶، همچنین عدم تناسب میان سر و تنه دخترک در همین تصویر، حکایت از آناتومی غلط دارد.

نمونه (۶): تصویر در درس «مثل گل» به عنوان مادر علی و فاطمه معرفی شده است. اما این تصویر به علت عدم هماهنگی در تناسب و اندازه با بزرگسالان، وجود مادر علی و فاطمه را تداعی نمی‌کند.

ب - پرسپکتیو:

عدم هماهنگی میان زاویه دید انتخابی تصویرگر و تصویر خلق شده، پرسپکتیو نادرست ایجاد کرده است. نمونه (۱): پرسپکتیو اشتباه در تصاویر «ببین و بگو»

ص ۴۵ (درس هفتم)، شخصیت‌های تصویری مادر، کودک و دوست کودک در مهدکودک را در حال سقوط نشان می‌دهد. زیرا تکیه‌گاه آنها بر زمین از استحکام برخوردار نیست. بخشی از این مشکل از عدم توجه تصویرگر به ترکیب‌بندی و فضاسازی صحنه‌ها ایجاد شده است.

نمونه (۲): عدم هماهنگی در اندازه مادر و پسر در «ببین و بگو» ص ۳۰ (درس پنجم)، در دومین تصویر از این مجموعه، به نظر می‌آید مادر، دخترکی هم سن پسر است.

ج - ترکیب بندی (کمپوزیسیون) و فضاسازی:

فضاسازی به بیان رئال در تصاویر کمک جدی می‌نماید اما متأسفانه در عموم تصاویر از این امکان بهره‌ای برده نشده است.

نمونه (۱): در «ببین و بگو» ص ۵ (درس دوم)، با انتخاب کادر دایره به عنوان ترکیب‌بندی این مجموعه، شخصیت تصویری از تحریف آشکاری رنج می‌برد. او از قالب کودکی جاندار تهی شده است. او چون عروسکی بی‌روح تصویر گردیده است.

۳. کیفیت چاپ:

عدم هماهنگی چاپخانه برای حفظ کیفیت رنگ، عاملی است که موجب ضعف در تصویرسازی کتاب شده است.

نمونه (۱): در درس سوم «کتابخانه‌های کوچک ما» ص ۱۳، تصویر خانم معلم بی‌روح و یک بعدی است. آیا تصویرگر تن‌های رنگ را در تصویر بیان نکرده است که در چاپخانه با گذاشتن شابلون، رنگ را به تصویر تزیین نماید؟ نمونه (۲): در درس دوازدهم، «حنایی» ص ۷۷، کیفیت چاپ و عدم وجود تن‌های رنگی، تصویر زیبای این درس را یک بعدی ساخته است.

۴. استفاده از موتیف‌های تکراری و تزیینی:

در اولین برخورد مخاطب با کتاب، تکرار موتیف‌های تزیینی شاید جالب باشد. اما سؤال این است، از تکرار یک نوع تزیین در کتاب چه هدفی دنبال می‌شود؟ آیا نمی‌توان از تزیین متنوع استفاده کرد؟ استفاده تکراری و بی‌جا از عناصر تزیینی، بی‌تفاوتی کودک را به دنبال دارد. به نظر می‌رسد تکرار موتیف‌های تزیینی، موجب فریب مخاطب و تنبلی کردن سلیقه او می‌گردد. در حالی که تزیین باید برای تقویت تصویر و برانگیختن مخاطب به کار گرفته شود.

برخی از تزیینات به کار گرفته شده در تصاویر، چون ریسمانی به دست تصویرگر بسته شده است:

نمونه (۱): «ببین و بگو» ص ۵ (درس اول)، استفاده از کلیشه‌ی تزیینی دایره و قرار دادن شخصیت‌های تصویر در درون آن، شخصیت تصویری دخترک را از جان تهی ساخته است. چون تصویرگر مجبور شده است تصویر را در این تزیین دایره شکل قرار دهد.

نمونه (۲): استفاده از موتیف‌های تزیینی و تکراری در تصویر داستان «قصه‌ی پرواز موج» (درس یازدهم)، موجب ضعف در تخیل این فانتزی زیبا شده است.

نمونه (۳): استفاده از موتیف تزیینی در تصویر «که از همه زیباتر است؟» (درس نهم)، سبب ضعف جدی تصویر

هویت ملی و قومی به دو شکل از انواع متعدد هویت اجتماعی تعریف می‌شوند، با حذف قومیت‌ها در کتاب در واقع به این بخش از شخصیت اجتماعی کودکانی که در مناطقی از ایران زندگی می‌کنند که قومیت‌های مختلف وجود دارد، آسیب جدی رسانده می‌شود. بنابراین حذف قومیت‌ها از این فصل کتاب یکی از کمبودهای جدی کتاب است.

فضای موجود در سراسر کتاب حسرتی را در دل مخاطب روستانشین نسبت به فضای شهری ایجاد می‌کند که پیش‌زمینه خالی شدن روستاها از سکنه و پرشدن حاشیه شهرهاست.

فصل هفتم «طبیعت»

کمبود «حفظ محیط زیست» به عنوان اصلی بنیادی در حیات زمین و زندگی بشر امروزی در کتاب مشاهده می‌شود. دو درس آمده در این مجموعه برای بیان آنچه امروزه کوشش جمعی بشریت و به نوعی تمامی ساکنین سرزمین ما را، می‌طلبد، بسیار ضعیف است. در این دو درس مخاطب با هیچ‌گونه تخیل و نوآوری و خلاقیت برای حفظ محیط‌زیست روبرو نمی‌شود. چگونه کودکان ما با خواندن این دو درس می‌آموزند که حفظ محیط‌زیست شرط ضروری ادامه حیات بر روی زمین است؟ و چگونه مخاطب به نزدیکی، دوستی و حفظ طبیعت برانگیخته می‌شود؟ آیا با خواندن داستان تکراری «خاطره» (پرنده‌ای از آشیانه‌اش سقوط می‌کند و بچه‌ها با کمک پدر او را به آشیانه بازمی‌گردانند) همدلی با طبیعت در او برانگیخته می‌شود؟ مؤلفان محترم کتاب در بیان این موضوع به شگرد آشنایی‌زدایی هیچ‌گونه توجه‌ای نداشته و در سراسر کتاب فقط و فقط کنش‌های آشنا، آنچه را که برای مخاطب عادت شده، آنچه را که کودک در تمام دوران کودکی به صورت پند و اندرز می‌شنود، به عنوان طرح داستانی برگزیده‌اند، همین عدم توجه به شگرد آشنایی‌زدایی، عموم متن‌های موجود در کتاب را از تأثیرگذاری و ماندگاری در ذهن مخاطب دور ساخته است.

در درس نوزدهم این فصل (پروانه‌ها) طرح‌ریزی درسی آن‌گونه است که، جایگاه درس در کتاب علوم قرار می‌گیرد. راوی داستان پروانه‌ای است که چون انسان بزرگسال دانا و هوشمند درباره چگونگی تبدیل کرم ابریشم به پروانه داد سخن می‌دهد.

فصل هشتم «ادب و هنر»

این فصل می‌توانست یکی از فصل‌های جذاب و تأثیرگذار باشد. اما از ضعف جدی برخوردار است. در درس «هنرمند» از این فصل، شغل و حرفه هنرمند با بیانی ضعیف توصیف شده است و در درس «فردوسی» در واقع گزارشی از یک سفر است تا شرحی بر شاعری بزرگ!

دنیای خارج از سرزمین ایران و بچه‌ها:

در کل کتاب تنها در درس اول (خدای مهربان) اشاره‌ای به بچه‌های دنیا شده است، «من همه آن‌ها و همه بچه‌های دنیا را دوست دارم» و «ای کاش می‌توانستم با همه بچه‌های دنیا آشنا شوم». در سراسر کتاب از دنیای بیرونی خبری نیست.

- تصاویر «ببین و بگو» ص ۱۵۶ به علت استفاده از تکنیک عکس و نقاشی بر روی عکس قابل توجه است. اما متأسفانه تصاویر این مجموعه چون کلیشه‌های رئالیست نما به این تکنیک آسیب جدی رسانیده است. - مجموعه تصاویر آمده با متن‌های تحت عنوان «با هم بخندیم» هنرمندانه و زیبا هستند.

بررسی ساختار متن در کتاب فارسی دوم دبستان

۱- تقسیم‌بندی موضوعی کتاب:

فصل اول «نهادها»

در این فصل مخاطب با حقوق خویش در شکل مشارکت آشنا می‌شود. او درمی‌یابد که حق اوست که در تعیین نحوه‌ی اداره مدرسه شرکت داشته باشد. او نیز با کنش مشورت آشنا می‌شود. و در درس دوم از این مجموعه با کتابخانه آشنا می‌شود.

فصل دوم «بهداشت»

مخاطب در سه درس این فصل یعنی «دندان شیری»، «خرس کوچولو به جنگ می‌رود» و «مدرسه‌ی خرگوش‌ها» صرفاً با بهداشت فردی آشنا می‌شود. کمبود مبحث بهداشت اجتماعی و رعایت آن که به نوعی، به شناخت مدنیت و احترام کودک به حقوق دیگران منجر می‌شود، مشاهده می‌گردد. در حالی که کودک از ۴ تا ۸ سالگی کم‌کم بی‌می‌برد که جهان تنها به محور او نمی‌چرخد، بلکه دیدگاه‌های دیگر و نیروهای دیگری نیز وجود دارد. بنابراین طرح مسائل اجتماعی از این دست ضمن این که برای مخاطب قابل درک است، سدی در برابر رشد خود محوری و خودخواهی کودک نیز هست.

فصل سوم: اخلاق فردی و اجتماعی»

در این فصل کمبود مضمونی که سبب رشد اجتماعی مخاطب باشد، مشاهده می‌شود. روند اجتماعی شدن، هدفش انطباق کودک با محیط اوست، این انطباق و سازگاری به شکل نوآوری و تغییر در محیط بروز می‌کند. آیا این سه روش توانایی رسیدن به هدف فرایند اجتماعی شدن را دارد؟

فصل چهارم «دانش و دانشمندان»

در این مبحث، موضوع دانش بسیار ضعیف است. و از دانشمندان هم خبری نیست!

فصل پنجم (دین) و فصل ششم (ملی و میهنی):

در این دو فصل، عدم توجه به اقلیت‌های مذهبی ایرانی، قومیت‌های ایرانی و روستانشین ایرانی به هویت‌شناسی مخاطبینی که در این گروه‌های موجود در جامعه ایرانی وجود دارند، آسیب جدی رسانده شده است.

هویت چیست؟ هویت پدیده‌ای است که شخصیت اجتماعی مخاطب را در جامعه می‌سازد و نوعی وحدت و انسجام به هستی و عمل او می‌بخشد. هویت هم از نظر اجتماعی و هم از نظر روانی ضروری است. هویت به ثبات روانی مخاطب کمک می‌رساند و شرط اساسی رشد شخصیت می‌باشد. هویت شرط لازم و ضروری برای کارکرد اجتماعی هماهنگ مخاطب با محیط خود به شمار می‌آید.

نسبت به متن گردیده است. این تصویر به تخیل متن هیچ‌گونه یاری نمی‌رساند.

بنابراین این تصاویر چون گرافیک مجله‌ای دارای تاریخ مصرف هستند و هیچ اثر ماندگاری در ذهن مخاطب به جا نمی‌گذارد.

تصاویر هنرمندانه در فارسی دوم :

- تصویر روباه و خروس در روان خوانی فصل اول، این تصویر شخصیت خروس و روباه را بیان می‌کند.

- تصویر خرس کوچولو و فضا سازی آن در درس پنجم «خرس کوچولو به جنگ می‌رود» بیانی با حس و هماهنگی با متن را به مخاطب ارائه می‌کند.

- تصویر «مدرسه خرگوش‌ها»، درس ششم بیانی تخیل برانگیز و هماهنگ با متن دارد.

- تصاویر «ببین و بگو» ص ۳۷ (درس ششم) با فضا سازی هماهنگ با موضوع بیانی جذاب و پرکشش ایجاد کرده است.

- تصاویر «ببین و بگو» ص ۵۲ (درس هشتم) داستان «کار و کوشش» را با بیانی واقع‌گرا از زندگی مورچه نمایش می‌دهد.

- تصویر «حنایی» در (درس دوازدهم) با حس و زیباست که در چاپ تصویر بخشی از حس و حرکت آن آسیب دیده است.

- تصاویر «ببین و بگو» ص ۸۱ ، با استفاده از عکس، بیانی هنرمندانه یافته است.

- عکس‌های انتخابی در درس «ایران ما» (درس پانزدهم)، ارتباط مستحکمی میان مخاطب و متن ایجاد کرده است. - تصویر «روز خوب پیروزی» ص ۱۰۹، با ایجاد بافت در پیش زمینه تصویر، گرافیک خوبی ایجاد کرده است.

- تصویر پرچم در ص ۱۱۳ بار معنایی پرچم را بیان می‌کند. (این عکس را با تصویر ص ۱۱۰ که پرچم نقاشی شده است مقایسه نمایید. تصویر پرچم ص ۱۱۰ خشک و بی‌روح است)

- عکس‌های «ببین و بگو» ص ۱۱۵ از حس و پویایی لازم برخوردار است.

- تصویر «نوروز» درس هفدهم، ص ۱۱۷ زیباست، اما متأسفانه در چاپ به زیبایی آن آسیب وارد شده است.

- تصویر فوق‌العاده هنرمندانه «روان خوانی» فصل ششم «دوازده برادر» با فضای افسانه‌ای متن هماهنگ است و از بیانی خاص و ویژه برخوردار است.

- تصویر در «ببین و بگو» ص ۱۳۱، درس هجدهم می‌توانست از بیانی هنرمندانه برخوردار باشد. اما متأسفانه روش چاپ به آن آسیب جدی وارد ساخته است.

- تصویر «روان خوانی» فصل هفتم «خانم خانم‌ها» از بیانی هماهنگ و زیبا با متن برخوردار است.

- تصویر «روباه و زاغ» در شعر ص ۱۵۰، کارا کتر روباه را به زیبایی بیان کرده است.

- تصویر ص ۱۵۵ به دلیل این که با تکنیکی متفاوت از تصاویر دیگر خلق شده، قابل توجه است.

به نظر می‌آید که در پشت این مرزها کسی زندگی نمی‌کند. گفت‌وگو با فرهنگ‌های دیگر و مردمان سرزمین‌های مختلف از همین سن بایستی آغاز شود. مخاطب این گروه سنی، ظرفیت یادگیری فراوانی دارد. و این بیان در واقع همان حس همدلی است که کمبودش در کتاب مشاهده می‌شود. آیا همدلی فقط در نگهداری کودک تازه به دنیا آمده (درس «مثل گل» ص ۴۲) و یا برگرداندن پرند به آشیانه‌اش (در شعر «کار خوب» ص ۴۷ و درس «خاطره» ص ۱۲۷)، است.

همدلی در واقع وقتی درونی می‌شود که مخاطب درک کند، همدلی یعنی توجه به دیدگاه دیگران و همدردی با احساسات دیگران، در آن صورت مخاطب ما، کودکان ما، با خانواده، جامعه و طبیعت سازگار می‌شوند و در حفظ کین و هستی آن می‌کوشند.

نتیجه‌گیری از تحلیل کیفی دروس کتاب دوم فارسی: قالب داستانی ۷ درس فانتزی است:

۱ درس از این ۷ درس «پروانه‌ها» قالب داستانی ندارد و صرفاً جنبه اطلاع‌رسانی دارد. ۶ درس از ۷ درس فانتزی، به علت این که پیام داستانی، آشکار نیست، درسی تخیل‌برانگیز و در مجموع جذاب است (لازم به تذکر است که این نظریه وقتی کامل خواهد شد که برخی از جملات در این دروس

حذف شود به عنوان نمونه در درس پنجم «خرس کوچولو به جنگ می‌رود» در خط پایانی داستان مادر خرس کوچولو می‌گوید «عزیزم، تو باید اول می‌پرسیدی که میکروب‌ها چه هستند و چه طور می‌شود با آن‌ها جنگیدی؟ تو باید بدانی که برای جنگیدن با میکروب‌ها، بهتر است همیشه خود را پاکیزه نگاه‌داری و دست‌هایت را قبل از خوردن غذا بشویی. ص ۲۸» داستان با پیام مستقیم و اندرز مادر به خرس کوچولو به پایان می‌رسد. این پیام به طرح زیبای داستان آسیب جدی رسانده است. درحالی که اگر داستان در طرحی باز به پایان می‌رسید، بسیار تأثیرگذار بود. مثلاً اگر داستان با جمله «او بیمار شده بود و ناله می‌کرد ص ۲۸» به پایان می‌رسید و معلم در کلاس خود با دانش‌آموزان به بحث و گفت‌وگو می‌پرداخت و در ادامه در تمرین «به دوستانت بگو» با سؤال «اگر به جای خرس کوچولو بودی چه می‌کردی؟» بحث ادامه می‌یافت می‌توان گفت که درس و مجموعه کار انجام شده در کلاس، کارکردهای این درس را نمایان می‌ساختند. در این شش درس علاوه بر توجه به شناخت کودک و ارتقاء آن به میدان زیبایی‌شناختی نیز توجه شده است.

قالب داستانی چهارده درس واقع‌گرا است:

در این مجموعه محور شناخت‌شناسی مورد توجه مؤلفین بوده است. بنابراین داستان‌ها از قالب ادبی خارج و در حوزه خوانندگی قرار می‌گیرند و فاقد تخیل خلاق هستند.

آیا با بهره‌گیری از توانایی‌های مخاطب این گروه سنی،

کتاب فارسی دوم می‌تواند مخاطبیتش را به سوی تفکر و خلاقیت سوق دهد؟

آیا طراحی کتاب از نظر محتوا و شکل آنگونه است که

مخاطب راه حل مسائل را پیدا کند؟

آیا در طرح‌ریزی کتاب شخصیت مخاطب به رسمیت شناخته شده است؟

آیا در کتاب از کلیشه‌سازی و قالبی فکر کردن اجتناب شده است؟

پوشش و لباس انتخابی تصویرگر بر تن کشاورز و بنا تا چه حد واقعی است

و بیانی از گوشه‌هایی از سرزمین ما ایران را دارد؟

آیا تصویرگر می‌خواهد بگوید،

بنا روستایی است که برای شهری‌ها خانه می‌سازد؟

آیا بنای شهری وجود ندارد؟

عدم وجود فضا‌سازی که خود عنصری مهم برای بیان واقعیت است

شعر در کتاب فارسی دوم دبستان:

در کتاب مجموعاً ۱۰ شعر وجود دارد. این شعرها از جنبه روایت در دو گروه، راوی کودک و راوی بزرگسال قرار می‌گیرند. برای بررسی شعرها، زبان روایت را جستجو می‌کنم.

راوی بزرگسال: در سه شعر راوی بزرگسال است شعر «گل بگو و گل بشنو» (به کودک پند و اندرز می‌دهد)، «روز خوب پیروزی» (شرحی کلی و گنگ است برای کودکی که هیچ‌گونه تصویری از روز پیروزی ندارد. به کارگیری ایما‌های بسیار سخت برای بیان روز پیروزی برای مخاطب هیچ‌گونه عینیت ایجاد نمی‌کند تا حس او را برانگیزد) و «روبه و زاغ» (بیان حکایت رفتار حيله‌گرانه‌ی روبه که توسط راوی بزرگسال برای کودک سروده می‌شود. این حکایت پندآموز در قالب شعر بیانی زیبا یافته است بنابراین این شعر از دیگر شعرهای کتاب متمایز است).

راوی کودک: در هفت شعر (امید بچه‌ها، کار خوب، آموزگار دانا، خانواده، وقت نماز، مثل رنگین کمان و با پرستوهای شاد) راوی کودک است. در محتوای پنج شعر اول صدای بزرگسال را می‌شنویم، در ضمن عنوان شعر «امید بچه‌ها» بیانی بزرگسالانه دارد. دو شعر «کار خوب» و «آموزگار دانا» نیز با طرح و افشای هدف شعر، صدای بزرگسال و پیام‌های آشنا (پند و اندرز) را به گوش مخاطب می‌رسانند. صدایی که قصد آموزش دارد و توانایی گفت‌وگو و مکالمه ندارد. صدایی که فقط می‌تواند پند دهد، موعظه کند و بدین شکل جوشش درونی کودک، درک شهودی (فیزنومی) او را از اولین ارتباط با جهان بیرونی خفه سازد و اما در شعر «مثل رنگین کمان» صدای راوی کودک به گوش می‌رسد. زیرا این شعر در قالب بازی کودکان طرح‌ریزی شده است. بازی گرفتن پروانه، از حس و کنش واقعی کودک سرچشمه می‌گیرد. در این شعر فقط در بیت «آفتاب مهربان، چون مادری / بال‌های نازکش را ناز کرد» و صفت مهربان برای آفتاب در مصرع «پشت شیشه، آفتاب مهربان» صدای بزرگسال شنیده می‌شود و اما در شعر «با پرستوهای شاد» با بیانی کودکانه روبرو هستیم. توصیف بسیار زیبای «آسمان خوش حال و صاف» و یا پاره آخر «ماهی من توی حوض / آب بازی می‌کند / باد هم با شاخه‌ها / تاب بازی می‌کند/» توصیفی کودکانه است و اما در بیت «خانه‌ها را آفتاب / می‌زند رنگ نشاط» رنگ نشاط توصیفی بزرگسالانه است. در دو شعر «مثل رنگین کمان» و «با پرستوهای شاد» پیام مستقیمی وجود ندارد و زندگی در ایما‌های کودکانه بیان می‌شود، به همین دلیل ساده و صمیمی و شادی‌آفرین هستند. در شعر «یار مهربان» راوی کتاب است. کتاب در پیامی آشکار و صمیمی برای مخاطب از خود می‌گوید.

نتیجه‌گیری:

ویروس بزرگسالی در اکثر اشعار طرح شده در کتاب زندگی می‌کند. کودک جامعه ما را لحظه‌ای از وجود این ویروس گریز نیست. زیرا آدم بزرگ‌ها برای این آدم کوچولو‌ها،

در متن از پسر کی که نوه پیرمرد و پیرزن است یاد می‌شود که او در تصویر وجود ندارد. «موش دم گربه را گرفت، گربه دامن دخترک را، دخترک کت پسرک را، پسرک دامن مادر بزرگ را، پیرزن شال کمر پدر بزرگ را و پیرمرد همه برگ‌های چغندر را گرفت ص ۴۰»

و اما مشکل اصلی در این تصویر این است که تصویر هویت ایرانی ندارد. با وجود این که بسیار هنرمندانه است. اما چون با فضای متن هماهنگ نیست به اثر آسیب رسانده است. به نظر می‌آید تصویر از کتاب‌های روسی کپی برداری شده و شخصیت‌های تصویری هویت روسی دارند.

«اجرای نمایش» در کتاب درسی:

اجرای نمایش در برنامه کلاس، برای رشد و شکوفا شدن خلاقیت کودکان روش ارزشمندی است. به شرط این که نمایش انتخابی در قالب تئاتر خلاق ارائه شود.

در کتاب مورد بررسی ۸ نمایش وجود دارد که محتوی ۲ نمایش آن اجرای «ببین و بگو» و ۵ نمایش اجرای درس‌هایی از کتاب و یک نمایش اجرای داستان یکی از کتاب‌هایی که دانش‌آموز در طی سال خوانده است. همگی تکرار آموزش موجود در درس کتاب است که مخاطب آن را شنیده، درباره آن صحبت و تمرین کرده است. بنابراین اجرای این نمایش‌ها برای دانش‌آموز جنبه سرگرمی دارد و فضایی متنوع در کلاس ایجاد می‌کند. اما اجرای آن‌ها در گسترش و رشد خلاقیت

مطرح است که چرا این کارکردها نادیده گرفته شده‌اند؟ تصویر این روان‌خوانی، تصویر پرنده‌ای است که هیچ‌گونه شباهتی به گنجشک ندارد. از طرفی این پرنده همان شخصیت داستانی «از این شاخه به آن شاخه» از درس هشتم است. مخاطب که این پرنده را با نام کوشا در درس قبلی شناخته است اکنون چگونه می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند. و اما این تصویر که با یک اجرای ساده کامپیوتری تهیه شده از کدام ارزش‌های زیبایی‌شناسی برخوردار بوده که در دو درس مورد استفاده قرار گرفته است؟

نمونه (۳): روان‌خوانی فصل هفتم «خانم خانم‌ها» «مرد خندید و گفت: حالا خودت فهمیدی که گنج بی‌رنج افسانه است و روی هر گنجی ماری خوابیده است.» ص ۱۴۱

با در هم‌ریزی این افسانه و آوردن این گزاره در آن، به نظر می‌آید مؤلف راه‌آوردی را که افسانه برای مخاطب به ارمغان می‌آورد، باور ندارد. به همین دلیل دست به تحریف این افسانه زیا زده است. مؤلف می‌خواهد مخاطب را در واقعیت نگه دارد. زیراتخیل را مضر می‌داند. او نمی‌داند که افسانه گنج بی‌رنج نیست.

نمونه (۳): تصویر در روان‌خوانی «چغندر پربرتک» فصل دوم:

تصویر در این روان‌خوانی با متن هماهنگی ندارد. زیرا

هویت و شخصیت و وجودی مستقل قائل نیستند و می‌خواهند دائماً او را تربیت و هدایت کنند. این ویروس است که خلاقیت و تخیل او را سد کرده و درک شهودی این گوهر بی‌نظیر را در وجودش نابود می‌سازد.

کودک ما در این بمباران ویروسی چه می‌شود؟ او قالب فکری بزرگسال را کپی می‌کند. حیات درونی‌اش فراموش می‌شود. شاعر با کودکی درونش و با خلق دنیایی ساده و صمیمی چون دنیای کودکان می‌تواند موجب رشد خلاقیت کودک شود. اما در این مجموع او بارانی از ویروس بزرگسالی را بر سر کودکان سرازیر می‌سازد.

«روان‌خوانی» در کتاب فارسی دوم:

در طرح‌ریزی کتاب، در پایان هر فصل متنی تحت عنوان «روان‌خوانی» وجود دارد. این مجموعه، در کل، فضایی جذاب و تخیل برانگیز ایجاد کرده است. شکل ظاهری این روان‌خوانی‌ها، نوع خط و پیش زمینه‌ای با رنگ آبی در داخل کادر پهن سفیدی، که متن را احاطه کرده است، به این فضای تخیل برانگیز یاری رسانده است.

عموم این متون نسبت به آنچه در گنجینه‌ی ادبیات فارسی موجود است، تغییر بسیاری کرده است. بنابراین کارکردهای روان‌شناسی و... در این متون مخدوش شده است. تغییرات انجام شده در این متون، سبب خلق پیام‌های مستقیم همراه با پند و اندرز شده است.

نمونه (۱): روان‌خوانی فصل سوم: مورچه اشک‌ریزان، چرا اشک ریزان؟

این روان‌خوانی براساس متل «کک به تنور» طرح‌ریزی شده است. این متل با صحبت درباره دوستی مورچه و کک آغاز می‌شود. «آنها یار و همدم هم بودند» کک وقتی می‌خواهد برای مورچه نان بپزد، به تنور می‌افتد و می‌میرد. کنش ناگهانی مرگ، مخاطب را به سادگی با مرگ آشنا می‌سازد، اما در بازنویسی «کک به تنور» و تبدیل آن به «مورچه اشک ریزان، چرا اشک ریزان؟ این کنش حذف شده است. در متل کک به تنور، کنش مرگ در تکرار ریتمیک این متل و عاقبت شلوغ و در هم ریخته‌اش گم می‌شود. اما متأسفانه، این هسته هنرمندانه متل در این طرح‌ریزی از میان رفته است. به نظر می‌آید بازنویس حتی از بیان مرگ ترس داشته است. «مورچه‌ای از آن جا می‌گذشت، پاهای خاله پیرزن را دید. فکر کرد خاله پیرزن توی تنور افتاده است. گریه و زاری کرد؛ چه گریه و زاری: فریاد کشید: خاله به تنور، خاله به تنور! ص ۶۷».

در متل کک به تنور با تکرار غم و اندوه، تک تک شخصیت‌ها در مرگ کک، همدلی می‌کنند. در حالی که در این بازنویسی حس همدلی کودک که در کک به تنور به اوج می‌رسد، در هم ریخته می‌شود.

بنابراین با وجود این که متل را می‌توان از جنبه‌ی آموزشی، دست کاری کرد. اما این دست کاری، متل را از کارکردهای ارزشمندش تهی ساخته است. و حالا این سؤال

با مشاهده تصاویر پسران کتاب در درس اول و شانزدهم،

عدم هماهنگی میان زاویه دید و تصویرسازی (بخصوص در درس شانزدهم)

و عدم تناسب میان سر و بدن (سرنسبت به تنه بزرگتر است) بوجود آمده است.

این ضعف در طراحی موجب فشردگی و کوتاهی بیش از حد شخصیت تصویری

(پسرک) شده و این حس را به مخاطب القاء می‌کند که با یک کودک کم‌هوش

و یا حداقل عروسک بی‌جانی روبرو است

«ببین و بگو» در ص ۵،

در این مجموعه تصویر پدر هنگام ترک دخترک

و هنگام دریافت نامه یکسان است. تصویرگر درد جدایی و شوق دریافت نامه را

فقط با تغییر حالت ابروی پدر نمایش داده است.

آیا این تصویر می‌تواند حس لازم از جدایی میان پدر و دخترک را

به مخاطب القاء کند؟ آیا این تصاویر قدرت برانگیختن عاطفه مخاطب را دارد؟

تا با بهره‌گیری از فرآیند عاطفی،

موضوعی را در کودک مخاطب درونی سازد.

شاگردان کلاس سهم بسزایی ندارد.

اجرای ۲ نمایش دیگر، یکی «اجرای یکی از مشاغل» و دیگری «اجرای معنای کلماتی چون خندیدن و...» امکان رشد درک مخاطب را نسبت به مفاهیمی در قالب بازی و تفریح مهیا می‌سازد.

و اما اجرای نمایش تخیل برانگیز «موجودی فضایی به زمین آمده است و با سه کودک برخورد می‌کند، آن‌ها با او صحبت می‌کنند» دنیایی از تخیل را به کلاس درس می‌آورد. طرح این نمایش، در قالب بازی، فوق‌العاده است و در واقع در این اجرا است که ارزش‌های تئاتر خلاق مورد استفاده قرار گرفته است.

بنابراین در مجموع سه اجرای نمایشی از قدرت خلاقیت و تخیل برخوردار هستند.

«بازی، بازی، بازی» در کتاب درسی:

طرح «بازی» در کتاب درسی بسیار قابل توجه و جالب است. در کتاب مورد بررسی ۹ بازی در طرح‌ریزی کتاب وجود دارد که عمدتاً جنبه آموزشی دارند.

در ۴ بازی، آموزش جمله‌سازی

در ۲ بازی، مهارت در ساخت کلمه

در ۱ بازی، تقویت مهارت گوش

و در ۱ بازی، صرفاً سرگرمی موردنظر طراحان است

در ۱ بازی، بازی و آموزش به یک میزان تقویت شده‌اند.

هدف از بازی چیست؟ در بازی دو لایه را می‌توان

جست‌وجو کرد. لایه روساخت که همان سرگرمی و لذت

است و لایه ژرف‌ساخت که کارکرد هر بازی است. در این ۹

بازی آموزش زبان هدف اصلی است. دانش‌آموز از خواندن

درس فراغت یافته، او از اضطراب آموزش متنی که باید یاد

بگیرد، بالاخره راحت می‌شود. و حالا وقت بازی است. اما

این بازی هم که آموزش و درس است. باز هم نگرانی و

اضطراب، باز هم چه بگویم، چه نگویم و بالاخره چند امتیاز

آوردی؟

فقط بازی «یافتن شیء پنهان شده با کمک صدا» برای

مخاطب جنب و جوش و شادی و سرگرمی به همراه می‌آورد.

می‌توان در کتاب از بازی‌هایی استفاده کرد که حس

اعتماد به نفس و شناخت کودک را نسبت به محیط پیرامونش

افزایش دهد. و اگر هدف آموزش زبان است در قالب‌های نو

و داستانی ارائه شود نه در قالب‌های درسی که در کتاب

«بنویسیم» (کتاب تمرین) وجود دارد.

حضور پدر و مادر در کتاب فارسی دوم دبستان:

پدر پیام‌رسانی است که سخنانش از بار معنایی و دانش

ویژه برخوردار است:

نمونه‌ها:

پدر در درس «دندان شیری»: «چیزی نیست دخترم.

این دندان، دندان شیری بود که افتاد، دندان‌های شیری همه

بچه‌ها از هفت سالگی یکی‌یکی می‌افتند و به جای آن‌ها

دندان دائمی در می‌آید...» حضور مادر در همین درس: «تو نباید خجالت بکشی» «تو دختر بی‌ادبی نبودی نرگس بهتر است از او معذرت بخواهی».

پدر در درس شانزدهم، «پرچم»: پدر برای پسرش علت

وجودی پرچم را توضیح می‌دهد. پدر در درس بیست و دوم

«فردوسی»: پدر برای پسرش از شاهنامه می‌گوید و به او

وعده می‌دهد که داستان‌هایی از شاهنامه را برای او نقل کند.

در این گفت‌وگو از مادر خبری نیست در حالی که مادر در جمع

حضور دارد. پدر در درس بیست و یکم «هنرمند»: هنرمند را

برای مخاطب شرح می‌دهد و از او می‌خواهد هنرمند شود.

پدر در درس هجدهم «خاطره»: پدر گشاینده مشکل است.

اوست که پرنده را به آشیانه باز می‌گرداند. و اما مادر در همین

درس «خاطره»: «ولی مواظب باشید خیلی دور نشوید»،

«شاخه‌ی گل‌ها و درخت‌ها را هم نشکنید» فقط در درس از

«همه مهربان‌تر» درس سیزدهم است، که مادر مفهومی را

برای مخاطب بیان می‌کند. مادر معنای «دعا کردن» را برای

مخاطب می‌گوید اما در این درس هم شخصیت سایه «بابا

بزرگ» است که خصوصیات ویژه و موردتوجه دارد.

در عموم درس‌ها اگر مادر حضور داشته باشد به عنوان

سرویس‌دهنده به مخاطب معرفی می‌شود: مادر کودک را

نزد پزشک می‌برد. مادر است که به کودک پیام تربیتی

می‌دهد و به او تکن و بکن می‌گوید.

بنابراین ساختار است که عدم تعادل میان مشاغل زنانه

و مردانه در متن و تصویر کتاب ایجاد می‌شود.

مشاغل زنان در کتاب فارسی دوم:

در درس «هنرمند»، وقتی پدر نقاش و کارگردان را

توضیح می‌دهد به فرزند دخترش توصیه می‌کند، هنرمند

شود. به عبارتی مخاطب با زنی که نقاش یا کارگردان باشد

روبرو نمی‌شود او فقط با تصور نقاش و کارگردان زن آشنا

می‌شود.

مشاغل مردان در کتاب فارسی دوم:

معلم، بنا، پزشک، کتابدار، دندانپزشک، پستچی...

بنابراین میان مشاغل در نظر گرفته شده برای زنان و مردان

در کتاب تعادل وجود ندارد. در حالی که در جامعه ما برای زنان

مشاغل گوناگونی هست. حتی در سال گذشته زنانی به

خدمت در پایگاه‌های آتش نشانی درآمده‌اند. بنابراین مشاغل

طرح شده در کتاب حتی با آن چه در سطح جامعه وجود دارد،

تناسب ندارد.

این زنجیر همچنان ادامه می‌یابد و حتی عدم تناسب

میان تصاویر زن و مرد در کتاب به وجود می‌آید.

۱۸ تصویر مردانه که در واقع با دانش‌آموزان پسر، ۱۲

تصویر زنانه که با دانش‌آموزان دختر همانندی می‌کند.

تنوع در مشاغل معرفی شده در کتاب:

مخاطب با خواندن کتاب فارسی دوم با مشاغل مختلفی

آشنا می‌شود. معلم، نانوا، بنا، پستچی و... آیا این مخاطب

در اجتماع، روزانه با افرادی که این مشاغل را دارند روبرو

نمی‌شود؟ او هر روز معلم را می‌بیند. او هر روز نان می‌خورد

و شاید نان می‌خرد و او هر روز هنگام رفتن به مدرسه از کنار

ساختمان‌هایی عبور می‌کند که بناها در حال ساخت آن‌ها

هستند؟ او چقدر فضانورد را می‌شناسد؟ او چقدر درباره نجوم

می‌داند؟ او در این سن تا چه اندازه با مشاغلی که بر پایه‌های

دانش فنی قرار گرفته‌اند، آشنا است؟ به نظر می‌آید کمبود

معرفی این مشاغل در کتاب وجود دارد.

حرفه‌های خاصی که برای مخاطب سوالات بی‌شماری

ایجاد می‌کند. حرفه‌هایی که کنجکاو را برمی‌انگیزد. و

چشم‌اندازهای مختلف را در مقابل او می‌گشاید.

فهرست کتاب‌های مناسب پایه دوم ابتدایی:

انتخاب فهرست کتاب و تهیه کتابخانه در هر کلاس

دومی در سراسر ایران، به عنوان بخشی از کتاب فارسی

ایده‌های بالارزش در طرح‌ریزی کتاب است. و با این ایده می‌توان

تا حد زیادی ضعف کتاب را به عنوان زبان‌آموز جبران کرد.

بنابراین در تهیه لیست انتخابی باید دقت و کار فراوان انجام

شود.

سخن آخر:

با خواندن کتاب فارسی دوم، خوشحال می‌شوم که

بالاخره چنین حرکتی در آموزش رسمی آغاز شده است.

وقتی این کتاب را به دست کودکان یا نوجوانانی می‌دهم که

این پایه تحصیلی را گذرانده‌اند. باتعجب و خوشحالی البته

همراه با حسرت آن را ورق می‌زنند. آن‌ها می‌گویند خوش به

حال بچه‌هایی که این‌ها را می‌خوانند. ما بیچاره‌ها چه خواندیم؟

و چقدر مشق نوشتیم.

چه کنیم تا فرزندان‌مان در آینده دوباره حسرت به دل

نشوند. چه کنیم تا فرزندان‌مان با همین امکانات

توانایی‌هایشان بارور شود. حالا که این همه بودجه و امکانات

را برای تغییر کتاب‌ها در اختیار داریم. فکر کنیم به این که

در این سرزمین پهناور، کودکان بی‌شماری هستند که این

کتاب فارسی، احتمالاً دومین کتابی است (کتاب فارسی

اول) که به دستشان می‌رسد. پس، از توان و کوشش و هنر

همه کسانی که سالیان سال در این عرصه، تجربه اندوخته‌اند،

بهره جوییم تا آنچه را درخور فرزندان سرزمین‌مان است به

آنها بدهیم.